

شماره اول

۱

وَرَدِ

تاریخ: شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۲۰

صاحب امتیاز :

اميد الله شعاعی

سر دائر : م . رحیمی

جای اداره: چهار باغ

داخل باصا کازرون

تکشیاره دکیوال

سال اول

انتخابات آزاد رکن اساسی دموکراسی است

بحث سپاسی

از : کا میار

تاریخ بامیر اطوری انگلیس

فرمان عقب گرد میدهد

زمانی بود که آفتاب در امپراطوری انگلیس غروب نیکرده
ولی آن روز هم نزدیک است که آفتاب در این امپراطوری شکیب
طلوع نکند - زیرا مدت ها است جسد فاسد استعمار بخاک سپرده
شده و آفتاب تا بان فردا بر جزیره ای خواهد تابید که قبرستان
امپراطوری زنده بگویی است - و برخاستن شهباش فساد و ظلم
مردمی زندگی می کنند دارای حقوقی نظیر ملل میا لک نویس

۳۰۰ دو صفت

آیات تشکیل ((بلوک سوم))

نۆز ديك است ؟

تذکره اتحاد ملل زنجیر گسیخته ضامن صلح است

خون ریزی
مردم از قرن بیستم توقع زیادی داشتند، و قرن بیستم با ترقی و تعالی با تجدید و اصلاح طلبی، با رفاه و سعادت، با رست در تکامل تمدن مترادف میدانستند و حق هم همین بود. این بود که تکامل سریع اختراعات و اکتشافات نهضت روز و علم و صنعت و هنر، در پیچه جدیدی از فرهنگ و اصلاح و آفرینش بشر باز کند ولی مسأله نه این قرن عصر خون ریزی و میکش شد، نه دوران صلح و ترقی.

دو صفحه ۴

ایمان به نیروی ملی

استبداد و استعمار، وقتی
در کشور ما هم نزدیک شد و
پیوند مزاحمت پستندفرزندی وجود
آوردند که باید (صفت و بیان آن)
نامیده شود این بازی شود و غامان
این مولود نا پاک در کمال وضوح
سوز تدویرها در شون جهانی کشور
ما نفوذ کردند و به بهای چنگ
انداخت؛ از حیث حاکم که گرفته نا
مطمئن معجزه آساز و عشاق
این مولود نا پاک در کمال وضوح

جمهوریت هائی بوجود آمد که از هر
مشرق زمین تفاوت داشت ولی هرگز
بوم امروزی واقفیت نیافت و حکومت
است از ریشته تحول تمدن و سیر
است
است آگاهی و استحضار از جریان حکومت
و اساسی آن تا بامروز است معرجه
از بامجرب و یونان و روم قدیم
در سکه اصولا استکراجمهوری طلبی و
قدیم تراوش نمود و بیخارج شد
ع. چنانکه قله (مذکر کاسی) بوزانی
بیشتری مردم و (گراسی) مشتق از (گراسی)
آخچه از قله مذکور کراسی بهرین ۳

تزویر و سالوس پیش خواهد برد
ولی برعکس این تصویر غلط مردم که
نهال مشروطیت را بارنج زیاد کاشته
بودند حاضر شدند* آنرا با عرق جبین
و حتی خون خود آبیاری کنند.

در دوره‌های اول قانون‌گذاری
مندی از وکلای شجاع ملت، سند
مرکب استبداد ملیست بلباس آزادی
را شکستند و علی‌رغم نیرنگ ملیقات
بقه درسی ۲

مسئله علت از مهر

ملیت در ایران

تحقیق درباره مالیت و عوامل
تشکیل دهنده ملت یکی از مسائل
مهم و اساسی عصر حاضر است و
از آنجا که درباره علوم جدید و
پیشرفتات و کثرت کتابی با روش تالیف
یا ترجمه شده است، ذهن هم میباید
چنان که با بد نسبت با این موضوع
و نظارت آن روشن است.

بخت دربار ملت و جنگ و ننگ
تشکیل دول، عناصر مشکله ملت
اتلاطیات و تشجیات حاصله از حسن
ملت و دستنی نایز متابعان زیاد و نوشتن
کتاب های متعدد است و در این
مختصر ادعای تحقیق و برسی تمام
این مسائل و ناداریم و بی بناسید
چشمت های ملی می دیند، قیام ملی
معزوم آسیا وانی یما در مقابل سود
پرستان مظلما هر بشدن، لازم بود
کلیاتی از این موضوع مهم مطرح
و مورد مباحثه و اتم شود.
و باره ملت و ملت کتب
بسته در دست

ما دستهای خارجی که بیک مشروطه طلبان دیو استبداد را کویده بود ،
تنگنک و نضج مشروطیت تمایلی نداشت حتی از آن هراسناک بود و بداند
که اگر این نهضت مقصد اوج گیرد ، دوزخ یکنان را در گلوخته
آتش دهد ، چیه استبداد که خود را در عرض هجوم نهضت ملی میدید
شکست خود را معزز میدانست ، سکر خود را چراغ گرد و نهضت خواهان
بیست نه برای تسلیم بلکه برای نفوذ در چیه چیه و ادامه مبارک
و ذات دیرین خود در پشت پرده مشروطیت و آزادی ؛ برای آلودن نهضت
نجات بخش ملی ، برای پیش بردن مقاصد شوم و پلید خود ، در این شرایط
بود که یکی از ناظرین خارجی نوشت « در این انقلاب نه شا ، نه هیبه ، نه
زور داد و نه ملت نمید ، چه گرفت » شبحی از آزادی ایران را از قرا
رفت و بالاخره ملت شهنواز سالها این شبح را در سال استبداد ، خوف
رسوا ، اجازه داده شد نمایندگان خود را برای شبح « سیاهی
و مملکتی » بجای بفرستند . اجازه دهندگان معطیان بودند هرگز در
این مجلس نمایندگان حقیقی ملت جمع نتوانند شد زیرا چیه جدید آزادی
را از جاسوسان ، کینه پرستان ، متنبین شرشاس و دشمنان مفتی و غفلتی
مشروطیت ملو بود . اجازه دهندگان اگر این موضوع را نات ندانستند
هرگز باین سهوت چنین امر خطیری را « تجویز » نیکردند - اما احباب
دشمنان ملت دم در دم دست زدند - آنها تصور میکردند ملت که
تاؤز زنجیر های کهن را از هم گشیت و برای انقلاب میگردی خود را خود
نار کرده است نیروی کافی در موسم اشتیاق نخواهد داشت ، چیه

از: ابر درون سلحشوران وادی نال

زوسی کسان کی بگسته اند
 کسان کی بگرفته وبسته اند
 * * *
 زوسی کسان کی که در راه صالح
 کسان کی اندر یشگاه صالح
 * * *
 زوسی کسان کی بر خاستند
 قطع حق دیرین خود خواستند
 * * *
 زوسی کسان کی که شکسته اند
 بدانها که از تنگی وسنه اند
 * * *
 بدانها که طغیان امواج تیل
 نهاده سر غصم در پای تیل
 * * *
 بدان خاک خونین پای قوت نام
 جنگا وران دلارل سلام

از م د

دھوکرا سی چیست؟

قرن پیش مردم حکومتی جز حکومت

مطالعه نمیشناختند تاریخ مالی و دول
بساتنی هرچه باشد خود استبداد
شکومت و خوارانی فرمانروا را بانه
مستحق است. شاهنشاهان ایران بانه
بساتن و خوارنه مصر و سلطین کلدانه
و آخو و خاقانهای چین قدرتی
مارا را بانه خود نمیشناختند و بر حسب
موقعت و زمان میپسک نمکری
جوان بخاطر خطوط نبدان مردم
عزای مشکله دولت و مشا حکومرا
و نه نمیشناختند و فرمانای شاه فرمان
برداران بود*

از آن زمان که تاریخ مدون

گفته بشود نشأت میبده تاچند

«شا یا»

دل

شله هاگرد و سوزان گردد؟
عشقه خال افتد و بی جان گردد
ز آچه کرده است بشیمان گردد -

سر بعضیان زده دیوانه شود
خجل از بهاد و پیایه شود
فارغ از شرمه و جاسا نه شود
بقیه درس

و فلسفه معروف و دهشت انگیز
 داده، پس از قرن‌ها تحول زور
 و فشار و در آسمان تارک ایران
 فروغشید و قابو برنج دین و و شیعیان
 ظاهر کشیده و امتوجه خود ساخت.
 تا نیز عکس الملهای شدید استاید
 بیان عمومی و تکک خارجی مشروعت
 می بود، به وجود آمد، ولی این
 به مایست آزادی نوژاد
 و روش پایه و برای تکامل و د.

گستاخ و هفتہ

انتشار این شماره
(امید و آرزو) قدم بعالم
مطامع غایت میگذارد.

در کشور ما و مخصوصاً شهر
تهران ، با وجود کثرت مطبوعات
روزنامه ای که با طرح و بحث
آل سیاسی ، اجتماعی ، حقوقی
ملی حس کنجگاری خوانندگان
را راضا نماید و حتی خود هنری
شان را سر بار خالی نماید
در ایران روزنامه زیاده
است ولی روزنامه ای که تابع
حاکم مطلق و جریان ژوندگذا
ر است روز نباشد و بدوام
بات مرام خود و به تشخیص و
ساخت خوانندگان ، احترام وارزش
شان شود بسیار کم و معدود

ما چوچه اذعا نینکیم
که جای وسیع مطبوعات خالی را
کرده ایم ولی بخوانندگان خود
میلان میبیم که بآنچه به دست
رستی و اشتداد بردم از راهی که
آنها پیشنهاد میدهند متصرف نشوم
برای انجام و تألیف خطیری که جدید
گرفته ایم قصور ننورند. روش ما
این است که:

اولاً با طرح مسائل اجتماعی

قادر سوم

آبِ نِی
بیست کز گردش چشم بهی
با تو تا شیریند نك نك
گاه از بیم و هراس گشت
چو دست کز دامن يك گرد بریش
باز دیدار ولی خسته و ریش
نگرد چنی بیکانه و خویش

آبونی راز دل

جیست کز گردش چشم بی بی
با ز تا نیر خند نکستی
گاه از بیم و هراس گویی
جیست کز دهن پت فرد برایش
با ز دیدار دل خسته و ریش
نگرد سختی بیگانه و خویش

انتخابات آزاد رکن اساسی مشروطیت است

بازسازش و مصافحه کارهای ملت ایران را بگوش جهانیان رسانیدند. انتخابات تاحلی آزاد بود ولی این «آزادی» هیچوجه کافی نبود و برای استحکام و تقویت این رکن اساسی کوششهای ملی بیشتری بکار برده شود. اما...

گودتا
تدوین ملت و دل خوشی نداشتند و تصمیم گرفتند چرخ دستگاه مشروطیت را که بقیه آنها زیاد پیش رفته بود بقب برگردانند؛ سیاست خارجی نیز از «افراط و زیاده روی» مشروطه خواهان بوخت افتاده بود و وقتی پای رقیب دیرین خود را در ایران بریده دید با خیال آسوده بیک ملک عوامل سباهکار داخلی شتافت و قوچ معظمی آزادخواهان نرمان غلب کرد داد مرتکبین و تسکین اصلی این خیانت تاریخی هنوز هم زنده اند و از ملت توقع دارند که کرسی «صدارت عظمی» را در وطنی اخلاص بایشان تقدیم کند - زمینه بر هرج و مرج را برای ظهور «دیکتاتور مقتدر» آماده کردند و از میان کردها و خاکی و شرارت «یکه تازمیدان سیاست» را بر سر دست بلند کردند و از «کیان» شانده تا دیگر ملت از این فتنه ها بگریزد و «نماینده» مجلس نفرستند. از آن پس شما بهتر میدانید چه شد و «مردم» در انتخابات نماینده تاج و حد «آزادی» داشتند؛ اقتضای این عمل بقدری هالک گیر شده است که وقتی دکتر مصدق اسناد مداخله دولت «دیکتاتوری» را روی میز شورای امنیت ریخت نماینده انگلیسی دیوانه وار فریاد زد، «اینها خارج از موضوع است»

پس از شهریور ۲۰

در دوره دیکتاتوری نه تنها استبداد شهرت سال زنده شد و مظاهر مشروطیت بیاد قنار رفت و نمایندگان ملت یکی پس از دیگری مسوم، خفه، تر و شکنجه شدند بلکه جایگزین بزرگتری صورت گرفت یعنی دولت خود رانی و سباهکاری خود را بر لای «مشروطیت» اعمال میکرد. بظاهر مجلس بود و رای میداد ولی در میان سینه برین استبداد حکمرانی داشت ها بدیهین نامست آن دوره درخشان را «صدور بهتر زهد باستان» نامیدند. طوفان شهریور ۲۰ تمام آن دستگاه پوشالی را بیاد داد و دو باره صحنه از «آزادی» و انتخابات «آزاد» میان آمد ولی همان سنی که از رشد مشروطیت جلوگیری کرد همان سنی که برای ملت دیکتاتور تفریق همان سنی که «انتخابات آزاد» را بصورت خواب و خیالی جلوه داده بود، از آستین بیرون آمد و جلوه مردم را گرفت؛ سیاست ریشه دار انگلیسی بیک ایادی فاسد «صلاح نمیدانست این آرزو جامه عمل پوشد» در انتخابات دخالت کرد و بفرست هم دستور داد دخالت کند و حتی مانع گریه ریاکار سربرنگ را رقیب شمالی نهاد تا هر طور مصلحت بداند صندوق های آراء را بفتح خود کامل کند.

چنگ بود و مصالح دول معظم ایجاد میکرد که دست بهر خیانت و جفا بی نیلایند - هیت حاکم باین بهانه مردم را خاموش میکرد، بازم کسی که خون دل خورد و هیچ نگفت و هیچ نمیتوانست بگوید ملت بود تحت این شرایط مجلس چهاردهم بوجود آمد - در دوره بازدهم موضوع صورت واقع تری بخود گرفت «نو بنده قانون اساسی» حزب دولتی تشکیل داد و روی هیئت و هیئت و فرانکو را کرد انتخابات آزاد بود ولی تنها برای اعضای حزب مقدس - یکمرتبه دیگر و چون دیکان انتخابات آزاد با پیروی شکست مواجه شدند و لی این شکست باعث نشیتهای قلی قلی مرگ داشته اگر در فتنه قبل «مصالح عالی دول مجاور» آزادی انتخابات را باطل میکرد این دهنه هیچ موجب جز خیانت باطل لازم الاجرای قانون نمیتوانست این حق ملت را از مردم سلب کند.

در دوره شانزدهم مردم بیدار شده بودند ولی خائنین هم خوب بودند باها و فاحش باک شبه دیکتاتوری مسخره ایجاد کردند و با فوج ترین و درنده ترین اقدامات بازم حق محروم مردم را غصب نمودند؛ امیر کردن انتخاب کنند، هوش کردن صندوق و تحویل وکیل دولتی، خیه شب بازی در تشکیل انجمن نظارت و هوشی خواندن اسامی بافش ترین وجه مسخره تن صورت جای انتخابات آزاد را گرفت

یک عقیده خطرناک
غرض ما از یادآوری گذشته تاریخ نویسی نیست منظور این است که با ستیای چند دوره انتخابات در صدر مشروطیت که شریات گنج کشنده انقلاب، سباهکاران را به بهت فرو برده بود و در نتیجه ملت از آزادی نسبی برخوردار گردید در تمام دوره های دیگر چهره شکنج مداخله بنابرین و برنگهای مختلف نمودار است

امید و آرزو

تمام روسای دولت ها «قول» داده اند و ملود ما «اعلامیه» ابلاغیه «مردم را مطمئن کرده اند که در انتخابات دخالت نخواهند کرد ولی همدا دخالت کرده اند - اینک بار دیگر ملت ما در آستانه انتخابات قرار گرفته است

در اینجا از ذکر این نکته ناگزیریم که عوامل خائن و ابا دی بیگانه از همه طرف سعی میکنند حق مسلم انتخاب نماینده را از مردم سلب کنند و یا لا اقل از اهمیت آن در نظر ملت بکاهند ولی ما صریحا اعلام میکنیم که انتخابات آزاد رکن اساسی و پایه اصلی مشروطیت است و نا و قتی اجرای صحیح و کامل این حق برای ملت تا بن شده است ذکر کلمات مشروطیت و آزادی و دموکراسی مسخره خواهد بود -

دشمنان ملت در تقیبت نقشه پیکارانه خود فریاد میکنند: در ایران انتخابات آزاد عالی نیست مردم رشد سیاسی ندارند - نمیتوانند وکیل بقی خود را معین نمایند اگر این زوزه خیانت آمیز فقط اختصاص بزرگان داشت ما زحمت نقل و نظیر آن را بر خود هموار نمیکردیم ولی متأسفانه این زمره و نهانچار کم کم از سرچشمه اصلی خود باطراف نفوذ میکنند و بهمین مناسبت لازم است منظور شود ساز کنندگان این فتنه را فاش سازیم - این اشخاص از یک مقدمه صحیح نتیجه غلط میگیرند - دوست است که ملت ایران با اندازه مردم سوس و سوسند و رشد سیاسی و اجتماعی ندارد و لی این نیز صحیح است که ملت سوس و سوس از اول مثل امروز بیدار و هشیار نبوده و تحت تاثیر رشد دموکراسی بر سر راه امروزی رسیده اند این موضوع را هم باید قبول کرد که اگر چند دوره انتخابات آزاد باشد ملت ما هم بهمان راهی که متدینان جهان میروند خواهد رسید تا کفون اکثریت مردم بعلت اعتراض بدواخله دولت و بعلت مبارزات اجتماعی دواول امر خطیر شرکت نکرده دولت فعلی با تامین آزادی انتخابات می تواند بایس مردم خانه داده اقتضای فضا نماید - حاصل کند - ما مدتی که نه تنها انتخابات آزاد ممکن است بلکه وظیفه اساسی دولت می دانیم که وسیله اجرای این حق را برای ملت تامین و تضمین نماید - انتخابات آزاد هر چه باشد از نتیجه انتخابات دولتی بهتر و بمصالح اجتماع نزدیکتر است

اگر کسی جز دکتر مصدق در واس دولت خود ما زحمت نوشتن این تذکرات را بخود تحمیل نمیکردیم ولی مردم از زیر سی دولت فعلی توقع دارند و می خواهند همانطوریکه قول شرف داده اند قبل از همه چیز دخالت تمام دستگاههای کشوری و لشگری را در امر انتخابات موقوف سازد اما برای حسن اجرای انتخابات تنها هم مداخله کافی نیست و وظیفه اساسی دولت است که علاوه بر توجه دقیق به موضوع فوق، نکات زیر را هم مورد

دقت قرار دهد:
۱ - از مداخله تمام مراجع و مقامات ذی نفوذ بهر شکل و عنوان که باشد جلوگیری نماید و دست دخالت آنان را روی میز دادگاه بریزد
۲ - معیض امنی برای انتخابات فراهم سازد و تیرنگ کسانی را که بایهانه دادن بدست دولت بایانیت بیچال و تحریک می خواهند آب را گل آلود کنند و ماهی بگیرند فاش سازد و از هر گونه تقلب و دزدی جدایی گیری نماید
۳ - بیاورین خود دستور دهد

انجمن های نظارت و با حضور نمایندگان حقیقی مردم تشکیل دهند و از جمع وجور کردن «محل خانوادگی» بجای انجمن قانونی خودداری کنند در این قسمت تنها دستور کافی نیست دولت باید در اجرای آت نظارت کند و متعینان اسلیم معاکه و مجازات نماید
۴ - مردم اجازه دهد در کار خوانندگان آراء و محافظین صندوق نظارت کنند تا دیگر آراء حسن بنام حسین خوانده نشود و بکنفر ناقص با د هراواها رای ۱۱:۱ سر

بدیهی است و امر متع ساختن این مواضع هنوز هم با انتخابات دنیا پسند فرستگار فامره خواهیم داشت هنوز بتوان دانسته ما که خوشبختانه روز افزون شده از حق مسلم خود محروموند هنوز امکان آوردن این حق را اوقطار های حامل «رای مردم» عاقل و خواب آلود بر طرف شده است - هنوز حزب قوی و با نفوذ نداریم و بنا بر این مقدمه ورم و کلا (که ناچار این امر است) معلوم نیست - هنوز روشن نیست و کلا سباهکار و موقع شناس باهم ملی بر مملکت

از: عبد الله

در مذاجات ملک الانجلیز

خدا یا نفت رفت و کمال با مال شد - سلحشوران ایران افتادگان دروزند و بریرا دان نیروز - دشمنان در طرب و دوست در سوز

میسند ای خدا که ایرانی - خیزد از خاک قزو جان گیرد گیرد از دست ما زمام امور - شاهد نفت در میان گیرد خدا یا کله (ملی) بر انداز که نفتی ساز است و نشا آرز - موجد نیاز است و وسیلت کشمکش دواز -

اگر ایرانی ذلیل شده - صاحب رخت و آب و نان گرفت کلک انگلیسی ها کنده است - نام ما معوا از جهان گردید بار اها! قومی بی فرهنگ - عزم ما کردند و شیشه عیرما سنک زدند و ثروتی عظیم فرا چنگ آوردند - عرصه بر قوم تنک ساختند و مفاخر چهار صد ساله ایشان هدف خد ناک نه جنگ ترسیدند و نه از تیرنگ - چندان که لیره های تشنگ و آخویان شوخ و شنک و خرا فان جنگ را پای تند بیر لک آبی حالی نه مجال گریز است نه جای درنگ حنای ما بی رنگ و قارورده امید بر سنک - نام مادر معر ش تک ماجرا جوان و زنک و جاسوس های دینک و مستون پنجم منک و شیر بریتانیا سحر به روباه رنگ کردند بشکنند درنک... درنک...

ای کربسی که از وسایل جنگ - بندگان را تفنگ دادی و تیر بمب های مهیب هیدرژنی - آخر بدی ز قد و رت تدبیر حربه ای تازه آفرین که مکر - فکرها را کشیم در زنجیر چتر با زان مرعوب - ناو ها مغلوب - (کار شناسان) منکر طرقداران سرکوب - نفت در وضعی نامطلوب - همه در آشوب بازار سیاست کهن نامرغوب وزیر پای ما جا روپ!

میسند ای خدای من که شود - نام (مستر) از این جهان معدوم گر که ویرانه ها شود آباد - در کجا آغیان کنند این بوم ای ما لم بالسر و الخفیات! وای خالق کائنات تودانی که زانو از خون حیوانات رشد گیرد و (استعمار) از غارت موجودات همچنان که زانو را آن مر مستحکم است مرما این حق مسلم از تو خواهم که رایت گرد نکشی بر سر آری و ما را دلیر سازی تا باو دیگر به نیروی شیر گیر فلان امیر و بتزور فلان وزیر مترق را اسیر و شرقیان را در زنجیر سازیم تا کفران نعمت و نیکین نکنند و شمشیر بر ولیمت دیرین نکشند

کردگارا! تو کار ایرانیان و مصریان بساز تا آن یک خون من نغورد و این یک رنگ من نیرد - باقی را خواه دانم که هنوز عثمان عراقی نام در دست است و آل عثمان از باده حماقت سر مست - چرچیل را فرمایم تا ایشان را بساز ما بر قصه ند که نو کرانی جبات و سبابت مرا پاسبان و حکم مسراتکبها و گوش هوش بر فرمان قبا ی آلاء و ربکانتکبدان

۱ - قاروره اندر لغت شیشه را گویند

چاپخانه راه نجات

تا نمایندگان واقعی خود را مجلس بفرستند و بیکار هم تجربه کنند که آیا انتخابات آزاد در کشور ما عملی است یا نه
۲ - ما از آقای دکتر مصدق - دکتر حقوق خواهانیم که حقوق از دست رفته مردم را بایشان بازگرداند و با این عمل بایه و اساس مشروطیت را مستحکم سازد

